

The Evolution of Motifs on the local Coins of the Kings of Persia

Azadeh Heidarpour, Associate Professor of Ancient Culture and Languages, Research Institute of cultural Heritage and Tourism, Tehran, Iran (Corresponding Author). E_mail: azadehheidarpour@yahoo.com
Katayoun Fekripour, Associate Professor of Ancient Culture and Languages, Research Institute of cultural Heritage and Tourism, Tehran, Iran. E_mail: katayoun.fekripour@gmail.com
Aboutaleb Moghassem, Ph. D. Student. History Department, The Islamic Azad University of Najafabad, Najafabad, Iran. E_mail: a.moghassem@shu.iaun.ac.ir

Abstract

The coins of the local kings of Pars play a crucial role in the historical study of this region between the defeat of the Achaemenid Empire and the establishment of the Sassanids, as they represent the only archaeological remnants of these local rulers. These coins were minted by local rulers of Pars, who governed either independently or semi-independently under the oversight of the central government during the Seleucid and Parthian periods, these coins reflect the continuity of cultural and religious beliefs from the Achaemenid era, especially following the occupation of Pars by Alexander and his successors. The coins of the local kings of Pars can be categorized into three or four groups based on numismatic studies. The first group comprises the Fratrakā, semi-independent rulers who operated under Seleucid control, with their coins likely dating back to the third century BC. The second group includes rulers who, upon gaining independence, ceased to recognize Seleucid authority and began minting coins featuring the title MLKA (king) to describe themselves. The third group consists of local kings of Pars who ruled during the Parthian period; their coins not only preserved ancient traditions but also incorporated influences from Parthian coinage art.

This article aims to explore the evolution of motifs on the coins of the local kings of Pars by examining several specimens housed in the Malek Museum, the Sepah Bank Museum, and the Persepolis Museum. It posits that these motifs reflect not only the ideology and cultural-religious beliefs of the Achaemenids but were also influenced by the art and religious beliefs of the Seleucids and Parthians. The research is conducted in a descriptive-analytical manner, utilizing both library and field data.

Keywords: Pars, Coins, Seleucid, Parthian, Local Kings

Receive Date: 19 Apr 2025	Revise Date: 22 Jul 2025	Accept Date: 30 Jul 2025
How to Cite: Heidarpour, A; Fekripour, K; Moghassem, A. (2025). The Evolution of Motifs on the local Coins of the Kings of Persia. <i>Journal of Ancient Culture and Languages</i> . 5(2). 31- 53		
Publisher: Yadegare Bastan Research Center for Ancient Culture and Languages		

عنوان مقاله سیر تحول نقش مایه های سکه های شاهان محلی پارس

آزاده حیدرپور، دانشیار فرهنگ و زبان های باستانی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران (نویسنده مسئول)
E_mail: azadehheidarpour@yahoo.com
کتابون فکری پور، دانشیار فرهنگ و زبان های باستانی، پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، تهران، ایران
E_mail: katayoun.fekripour@gmail.com
ابوطالب مقسم، دانشجوی دکتری گروه تاریخ، واحد نجف آباد، دانشگاه آزاد اسلامی واحد نجف آباد، نجف آباد، ایران.
E_mail: a.moghasem@shu.iaun.ac.ir

چکیده

سکه های شاهان محلی پارس نقش بسیار کلیدی و مهمی در مطالعات تاریخی این ایالت در فاصله زمانی شکست دولت هخامنشی تا تأسیس دولت ساسانی دارند؛ چرا که تنها آثار باستان شناسی برجای مانده از این شاهان محلی هستند. این سکه ها در دورانی که حکومت های سلوکی و اشکانی در ایران برپا بودند، توسط حاکمان محلی پارس که به صورت مستقل یا نیمه مستقل و تحت نظر حکومت مرکزی فرمانروایی می کردند، ضرب شدند؛ این شاهان محلی پس از اشغال این سرزمین توسط اسکندر و جانشینان وی از طریق سکه های خود باورهای فرهنگی و دینی هخامنشیان را حفظ کردند و به ساسانیان انتقال دادند. سکه های شاهان محلی پارس با توجه به مطالعات و تقسیم بندی های سکه شناسان به سه یا چهار دسته تقسیم می شوند؛ گروه نخست از این سکه ها مربوط به فترت که ها هستند که فرمانروایان محلی نیمه مستقلی بودند که تحت سیطره سلوکی ها حکومت می کردند و سکه های آنان احتمالاً مربوط به قرن سوم قبل از میلاد است؛ گروه دوم حاکمانی هستند که هم زمان با استقلال پارس، دست از فرمانبرداری سلوکیان برداشتند و اقدام به ضرب سکه هایی کردند که در آن ها لقب ملکا (شاه) را برای توصیف خود به کار بردند؛ گروه سوم از شاهان محلی پارس تحت سلطه اشکانیان که در آن زمان بر ایران فرمانروایی داشتند، حکومت می کردند و سکه های آنان علاوه بر حفظ سنت های قدیمی از هنر سکه زنی اشکانیان تأثیر گرفته است. در این مقاله تلاش شده که با بررسی تعدادی از سکه های شاهان محلی پارس موزه ملک، موزه بانک سپه و موزه تخت جمشید به این سوال پاسخ داده شود که سیر تحول نقش مایه های سکه های شاهان محلی پارس چگونه بوده است؟ فرضیه طرح آن است که

نقش‌مایه‌های سکه‌های شاهان محلی پارس علاوه بر انعکاس ایدئولوژی و باورهای دینی و فرهنگی هخامنشیان از هنر و باورهای دینی سلوکی و اشکانی نیز تأثیر گرفته است. این پژوهش به‌صورت توصیفی-تحلیلی و بر اساس داده‌های کتابخانه‌ای و مشاهده‌ای به انجام رسیده‌است.

کلیدواژه‌ها: پارس، سکه، سلوکی، اشکانی، شاهان محلی

تاریخ دریافت: ۳۰ فروردین ۱۴۰۴	تاریخ بازنگری: ۳۱ تیر ۱۴۰۴	تاریخ پذیرش: ۰۸ مرداد ۱۴۰۴
استناد به این مقاله: حیدرپور، آ؛ فکری‌پور، ک؛ مقسم، ا. (۱۴۰۴). سیر تحول نقش‌مایه‌های سکه‌های شاهان محلی پارس. علمی پژوهش‌نامه فرهنگ و زبان‌های باستانی. ۵ (۲)، ۳۱-۵۳		
ناشر: مؤسسه پژوهشی فرهنگ و زبان‌های باستانی یادگار باستان		

۱. مقدمه

واژه پارس در کتیبه‌های هخامنشی به صورت (parsa) آمده است (شارپ، ۱۳۸۴، ص. ۱۷۱). پارس نام یکی از ایالت‌های مهم ایران در دوران باستان بوده که دو شاهنشاهی بزرگ هخامنشی و ساسانی از آنجا سر بر آوردند. پارس در اصل نام یکی از اقوام آریایی جنوب ایران بوده که بعدها نام خود را بر سرزمین خویش نیز اطلاق کردند. پارس‌های آریایی در منطقه انشان که یکی از ایالت‌های حکومت ایلام به‌شمار می‌رفت، مستقر شدند. در این ایالت نمایندگان شاخه جنوبی ایرانیان به اتحاد سیاسی نائل آمدند و دولت مقتدری تشکیل دادند و از آن پس ایالت پارس هم موطن پادشاهان هخامنشی و هم مرکز دولت آن‌ها شد. شاهان محلی پارس به‌دلیل استقلال که در امور داخلی مملکت خود داشتند به ضرب سکه پرداختند و این سکه‌ها علاوه بر آنکه نمونه بارزی از باورهای دینی، سیاسی و اجتماعی آن دوره را می‌نمایند، نام تعدادی از این شاهان محلی را که پس از انقراض شاهنشاهی هخامنشی در این سرزمین حکومت کرده‌اند و نام آنان در نوشته‌های کهن، نیامده است، به ما معرفی می‌کند (ثواقب، ۱۳۸۵، صص. ۱۱-۱۴؛ ملکزاده بیانی، ۱۳۴۵، ص. ۵۷). تنوع در نقوش به‌کار رفته در سکه‌های شاهان محلی پارس بسیار زیاد است؛ این شاهان کوچک به دین اجدادی خود پایبند بودند چنان‌که بر پشت سکه‌های خود نقش آتشگاه یا آتشدان را نقش می‌زدند. مهم‌ترین ویژگی این سکه‌ها استفاده از نقوش سیاسی نیمرخ شاه با کلاه ساتراپی بر روی سکه و نقش مشابه صحنه بارعام داریوش و نقوش اساطیری از قبیل پرچمی مانند پرچم کاویانی و نقش مرغ وارغن در پشت سکه است؛ نمادهایی که نشان می‌دهند در این سرزمین در آن روزگاران همچنان آتش و ایزدان زرتشتی ستایش می‌شدند. (بویس و گرنر، ۱۳۷۵، ص. ۱۳۳). آتشگاه پشت سکه‌ها به‌لحاظ سبک معماری بسیار شبیه بنای کعبه زردشت است. بنایی که کاربری آن تا کنون مشخص نشده است و فرضیه‌های متفاوتی در این راستا وجود دارد؛ از آن جمله بنایی که مربوط به برگزاری آیین پیش از تدفین پادشاهان هخامنشی بوده است، یا بنای مربوط به یک معبد یا آتشکده و... فرضیاتی که هنوز لاینحل باقی مانده‌اند (شاپور شهبازی، ۱۳۵۷، صص. ۳۰-۳۶).

۱-۱. بیان مسئله

سکه‌های شاهان محلی پارس تنها گواه وجود این سلسله از حکمرانان شبه مستقل محلی هستند (بویس و گرner، ۱۳۷۵، ص. ۱۳۳). پس از سقوط حکومت هخامنشی ولایت پارس اهمیت پیشین خود را از دست داد لیکن موقعیت خاص جغرافیایی پارس مانع از گسترش و نفوذ اسکندر و جانشینان وی شد و پس از یک دوره کوتاه فترت این منطقه به وسیله حاکمان محلی و با حفظ سنت‌های قدیمی اداره می‌شد. این حاکمان کاملاً مستقل نبودند و زیر نظر فرمانروایان سلوکی و بعدها اشکانی حکومت می‌کردند. شاهان محلی پارس در عهد سلوکی فرترکه خوانده می‌شدند؛ گرچه سکه‌های این شاهان محلی از سکه‌های سلوکی تأثیراتی پذیرفتند ولیکن ویژگی‌ها و مشخصات فرهنگی و دینی مردم این منطقه را حفظ کردند. به‌طور کلی ضرب سکه توسط فرترکه‌ها، قدمی استوار در راستای تبلیغات دینی و سیاسی مردمان پارس بوده‌است (بویس و گرner، ۱۳۷۵، ص. ۱۳۳). همچنین تأثیرپذیری شاهان محلی پارس از شاهان اشکانی امری غیرقابل انکار است؛ این امر نشان از تسلط کامل پارت بر منطقه پارس دارد و این تأثیرپذیری را می‌توان در پوشش و تاج شاهان محلی پارس مشاهده کرد. در روزگار اشکانیان، سرزمین پارس مانند دیگر ولایاتی که شاهان محلی بر آن‌ها فرمان می‌راندند، غیر از پادشاه بزرگ محلی در هر یک از نواحی آن، فرمانروایان و شاهان کوچک‌تری حضور داشتند، در نتیجه می‌توان گفت که ملوک الطوایفی کوچکی را در درون ملوک الطوایفی بزرگ ایجاد کرده بودند (نولدکه، ۱۳۵۸، صص. ۵۴-۵۵).

۲. پیشینه پژوهش

ما برای بررسی و مطالعه تاریخ ایران و به تبع از آن تاریخ پارس در دوران سلوکی و اشکانی با مشکل کمبود منابع روبرو هستیم. سکه‌های شاهان محلی پارس جزو اسناد نادر و معتبری هستند که برای روشن شدن تاریخ پارس در این دوران تاریک گره‌گشا هستند. این سکه‌ها در سده نوزدهم و آغاز سده بیستم میلادی کشف شدند (Rezakhani, 2010). جرج هیل^۱ (۱۹۲۲) اولین کاتالوگ مربوط

¹ Hill

به سکه‌های شاهان محلی پارس را منتشر کرد. ژاک دُمرگان^۱ (۱۹۲۳) کاتالوگی از سکه‌های خاورمیانه در دوران باستان و قرون وسطی منتشر کرد که در آن تعدادی از سکه‌های شاهان محلی پارس را معرفی نمود. سلوود^۲ (۱۹۸۳) حاصل تحقیقات خود را در مقاله‌ای در تاریخ ایران کمبریج منتشر کرد. آلام^۳ در سال (۱۹۸۶) مجلد بزرگی تحت عنوان *نام‌های خاص ایرانی در سکه‌ها* را به چاپ رساند که بخشی از *طرح نام‌های خاص ایرانی* مرکز ایران‌شناسی اتریش بود و در آن طبقه‌بندی جدیدی از سکه‌های شاهان محلی پارس بر مبنای ویژگی‌های هنری آنان ارائه کرد. پس از آن ویسهوفر^۴ (۱۹۹۴) کتاب مشهور خود را با عنوان *قرون تاریک تاریخ پارس* با استفاده از اسناد موجود و مطالعات سکه‌شناسی پارس نوشت. در سال ۲۰۰۸ اولیور هوور^۵ نظریات جدیدی درباره شاهان محلی پارس ارائه داد از جمله آن که اردشیر اول را به‌عنوان نخستین فرترکه معرفی کرد و بگداد (بغداد) را سومین فرترکه خواند؛ سرخوش^۶ در سال ۲۰۱۰ تحقیقات نوینی را بر سکه‌های وهوبرز و بگداد (بغداد) به چاپ رسانید وی مدعی بود که وهوبرز و بگداد شاهان رقیب و هم دوره بوده‌اند. در این پژوهش نگارنده، سیر تحول نقش‌مایه‌های موجود بر روی این سکه‌ها را بررسی خواهد کرد و نشان خواهد داد که تعدادی از این نقوش چگونه از دوره هخامنشی اقتباس شده و به دوره ساسانی انتقال یافته‌اند و در این راستا شاهان محلی پارس نقش میانجی را داشته‌اند.

۳. بحث

در حفاری‌های باستان‌شناسی سده نوزدهم و اوایل سده بیستم سکه‌های متنوعی از منطقه شوش در خوزستان، حومه تخت‌جمشید و استخر فارس به دست آمدند (Rezakhani, 2010, p. 30). سکه‌شناسان این سکه‌ها را گاه به سه گروه و گاه به چهار گروه تقسیم می‌کنند؛ جرج هیل در کاتالوگی با تکیه بر مقاله دلافو کوشش کرد تا تقسیم‌بندی دقیقی از سکه‌های شاهان محلی

¹ De Morgan

² Sellwood

³ Alram

⁴ Wiesehöfer

⁵ Hoover

⁶ Sarkhosh

پارس ارائه دهد که تا حد زیادی هم موفقیت‌آمیز بود و امروزه یکی از پایه‌های اصلی دانش ما از سکه‌شناسی پارس است. هیل این سکه‌ها را به چهار دوره تقسیم می‌کند (هیل، ۱۳۸۷، ص. ۵۱۲). سکه‌های دوره اول به دلیل وجود کلمه آرامی فرترکه بر پشت این سکه‌ها به نام گروه سکه‌های «فرترکه‌ها» شناخته شده‌اند؛ فرترکه عنوان و منصبی هخامنشی است که معنی «والی یا حاکم» را دارد که در پاپيروس‌های آرامی (نیل) الفانتین در مصر که تاریخ آن‌ها متعلق به دوره هخامنشی و خصوصاً اواخر قرن پنجم ق.م است، وجود دارد و به نظر می‌رسد که هرگز این واژه در اسناد دیگری به جز این پاپيروس‌های (جودئو) پارسی الفانتین و سکه‌های پارسی دیده نمی‌شود (Naster, 1968, pp.75-76). تعدادی از سکه‌شناسان اعتقاد دارند که این گروه از شاهان محلی با بغداد شروع می‌شوند و به وادفداد اول خاتمه می‌یابند. دوره دوم شامل سکه‌هایی است که در آن‌ها صاحبان سکه به جای عنوان فرترکه از لقب ملکا (MLKA) معادل آرامی شاه، برای توصیف خود استفاده کرده‌اند (جوادی، ۱۳۸۰، ص. ۲۴۶)؛ با توجه به این که هیل و دلافوی موفق به خواندن نام روی این سکه‌ها نشده بودند و در گروه دوم آنان تنها، به نام «داریو» (داریوش اول) برخورد کرده بودند، این گروه از سکه‌ها در کاتالوگ اولیه بالنسبه نامرتب هستند. دوره سوم، به گفته هیل، با فتح پارس توسط مهرداد اول اشکانی شروع می‌شود و تأثیر خاص سکه‌های اشکانی در سکه‌های این گروه کاملاً مشهود است. شاهانی که در این دوره اقدام به ضرب سکه کردند داریوش دوم، اوخاسرس و اردشیر دوم هستند. دوره چهارم با سکه‌های نمویت آغاز می‌شود و با سکه‌های اردشیر چهارم، منوچهر سوم و... ادامه پیدا کرده و به اردشیر پنجم ختم می‌گردد (هیل، ۱۳۸۷، ص. ۵۱۲). اکنون سکه‌های این سه یا چهار گروه را به استناد سکه‌های شاهان محلی پارس که در موزه‌های بانک سپه، ملک، تخت جمشید و... است، مورد بررسی قرار می‌دهیم.

۳-۱. سکه‌های گروه اول

سکه‌های گروه اول در حدود قرن سوم قبل از میلاد ضرب شدند (Hoover, 2008, p. 228) و این زمان مصادف است با اقتدار مقدونی‌ها و جانشینان اسکندر بر ایران و بنابراین شهربان پارس و استخر در این دوره، دست‌نشانده سلوکی‌ها و تحت نفوذ آنان بوده‌است (سامی، ۱۳۵۴، ص. ۲)؛ در این بازه زمانی در ایالت پارس چهار حاکم محلی فرمانروایی می‌کردند (کریستن‌سن،

۱۳۷۷، ص. ۹۶). ناستر در مورد خط آرامی به کار رفته در سکه‌های بغداد پژوهش‌های مهمی انجام داده است. او واژه «فرتکر» (Fratakara)، «فرتدار» (Fratadāra) و «فرتکره» (Frataraka) را مورد تحلیل انتقادی جامعی قرار داده است (Naster, 1968, pp. 74-80). ناستر واژه «فرتکر» را «آنکه آتش بر می‌افروزد»، «فرتدار» را «آنکه آتش را نگهبانی، یعنی حمل می‌کند» و «فرتکره» را «فرمانده» یا «فرماندار» معرفی می‌کند (Wieshöfer, 1991, p. 305). این حاکمان محلی نقوش سکه‌های خود را مانند شهربان‌های هخامنشیان ضرب می‌کردند و ویژگی‌های هنری هخامنشی و باورهای دینی مربوط به آنان را به خوبی در سکه‌های خود به نمایش می‌گذاشتند و از خط آرامی در سکه‌های خود استفاده می‌کردند؛ تعدادی از مورخین و سکه‌شناسان بر این باورند که قدیم‌ترین سکه‌های شاهان محلی پارس از آن بگداد نامی (بغداد) است (سامی، ۱۳۸۹، ص. ۲۰۹؛ ملکزاده بیانی، ۱۳۴۵، ص. ۵۷). سکه‌های فرتکره‌ها به وضعی چشمگیر حالت بشقابی دارند، یعنی رویشان گود و پشتشان کوژ است (Hill, 1922, p. 199). در روی سکه‌های فرتکره‌ها سر و صورت حاکم با وقار و متانت خاصی با چیره‌دستی رو به سمت راست حک شده است. آنان نیم‌تاج ساتراپی‌های هخامنشی را که با سربند حکمرانان یونانی مزین شده، بر سر دارند و گوش‌بندهای تاج را روی پیشانی خود گره زده‌اند. در پشت سکه‌های این گروه دو نوع تصویر مختلف نقش شده است (بویس و گرر، ۱۳۷۵، ص. ۱۳۷) در یکی شاه به حالت نیم‌رخ چپ بر تخت نشسته است که در دست‌هایش عصای شاهانه بلند و یک گل لوتوس قرار دارد (Afram, 1986, p. 514). این صحنه تقریباً تقلیدی از حجاری بر تخت نشستن داریوش در تخت جمشید است (نک به تصویر شماره ۱)؛ اگر چنان‌که محتمل است این سکه‌ها در تخت جمشید ضرب شده باشند، کننده کار الگوی قالب سکه‌اش را در مقابل چشم داشته است و چنین اشاره مستقیمی به دودمان گذشته حکایت از استقلال بغداد از بیگانگان غاصب دارد (سلوود، ۱۳۸۹، ص. ۴۰۳) در مقابل وی درفش شرا‌به‌دار نمایان است. در نوع دیگر از این سکه‌ها، شاه تمام قد رو به سمت راست ایستاده و دست راست یا هر دو دست را به علامت احترام و نیایش در برابر بنایی مستطیل شکل که احتمالاً آتشگاه است بلند کرده و همان درفش شرا‌به‌دار در سمت دیگر بنا نمایان است (نک به: تصویر شماره ۲)؛ بنای پشت سکه پایه‌ای دو پله‌ای دارد که بر سطح صاف بالای آن سه شیء کوچک مربع شکل قرار دارد و روی هریک از

آن‌ها یک جفت شاخ که به سمت بیرون پیچ خورده، نصب شده که احتمالاً تجسمی انتزاعی از آتش است (بویس و گرر ۱۳۷۵، صص. ۱۳۴-۱۳۶). در اطراف آتشگاه نام شاه و عنوان سلسله‌اش یعنی فترکه (Frataraka) به خط آرامی نوشته شده‌است؛ در برخی از این سکه‌ها گاه بر فراز آتشگاه، نقش فروهر نمایان است (سامی، ۱۳۸۹، ص. ۲۰۹). پرچم کنار آتشدان را درفش کاویانی می‌دانند این پرچم شبیه رایتی است که در موزاییک معروف «جنگ اسکندر و دارا» ترسیم شده است (کریستن‌سن، ۱۳۷۷، ص. ۹۶). بویس معتقد است که سکه‌های چهار نفر از فترکه‌ها شناخته شده هستند (بویس و گرر، ۱۳۷۵، ص. ۱۳۸). این فترکه‌ها عبارتند از بغداد، وهوبرز، اردشیر اول، وادفرداد اول (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۷، ص. ۷۵) هیل سکه‌های گروه اول را به اوزان چهاردرهمی، درهم و نیم‌درهمی تقسیم‌بندی می‌کند (Hill, 1922, pp. clx/clxi).



تصویر ۱. سکه نوع اول بغداد (Müseler & Rezakhani, 2011, 273)

در اینجا باید یادآور شد که بر روی سکه‌های بگداد (بغداد) صورت وی فاقد ریش بوده و این مشخصه شاهان شرقی است (ادی، ۱۳۸۱، صص. ۹۷-۹۸) و برخلاف سایر فترکه‌ها چانه و گوش‌های بگداد در روی سکه پوشیده نیستند و پوشش چانه و گوش‌ها در بالا در زیر یک نوار پهن قرار گرفته‌اند. پوشش سر او نیز فاقد لبه برآمده معمول است که ما در سکه‌های اردشیر اول، و وهوبرز و وادفرداد می‌بینیم. در پشت نوعی از سکه‌های بغداد، صحنه‌ای از یک نیایشگر به تصویر کشیده شده، که در آن شاه کلاهی با لبه جلو آمده بر سر دارد و گوش و چانه‌اش هم

پوشیده شده است (Sarkhosh Curtis, 2010, p. 387).



تصویر ۲. نوع دوم سکه بغداد از مجموعه سکه‌های موزه بانک سپه (عکاس ابوطالب مقسم)

بر سکه‌های وهوبرز (نک به: تصویر شماره ۳) عبارت «وهوبرز فرترکه از ایزدان» آمده است. شکل یونانی نام این فرمانروا، اوبورزوس است، او همان کسی است که به دستورش پادگان مقدونی‌ها در پارس منهدم و افراد آن قتل عام شدند. بر روی سکه‌های این شاه محلی تصویر او در حالی که سرپوشی بر سر دارد دیده می‌شود. دهان او با نواری پوشیده شده، بدان منظور که نفس او آتش مقدس را آلوده نکند؛ زیرا شاهان محلی علاوه بر فرمانروایی در پارس، عهده‌دار ریاست مذهبی نیز بودند (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۷، ص. ۷۵). پشت سکه منقوش است به عبادتگاهی با دری دو لنگه و فرسپ‌هایی (تیرهای کلان سقف‌پوش) که سر مدورشان بیرون زده و قرنيس را با ردیفی از دایره‌ها آراسته‌است. بر فراز عبادتگاه سه آتشدان با شعله‌های فروزان نمایان است که به گمان ما مظهر آتش طبقاتی ایرانیان یعنی آتش‌های جنگجویان، کشاورزان و پیشوایان دینی (آذرگشنسب، آتش برزین مهر و آتش فرنیغ) است. بر سکه‌های چهار درهمی، انسانی بالدار بر فراز آتش‌های سه‌گانه به حالت پرواز به چشم می‌خورد و این همان انسان بالدار تاجداری است که بر آرامگاه‌های شاهان هخامنشی قابل مشاهده‌است؛ خود وهوبرز، در سمت چپ عبادتگاه ایستاده است و دست راست را به نشان احترام و نیایش به‌سوی آتشدان‌ها بلند کرده و با دست چپ کمانی را بر روی نوک پا نگه داشته‌است. در سمت راست آتشدان درفش‌نمایان است که بر روی صفحه‌ای چهارگوش قرار دارد و آراسته به ستاره‌ای است و چهار آویز زنگوله مانند دارد (شاپور شهبازی، ۱۳۷۸، صص. ۲۲-۲۳).



تصویر ۳. سکه وهوبرز شماره ۲-۱۷۰ از مجموعه سکه‌های موزه ملک (عکاس ابوطالب مقسم)

برخلاف دیدگاهی که در کل پذیرفته شده، مبنی بر اینکه وهوبرز جانشین بغداد است، آرام در تحقیقاتش نشان داد که اردشیر اول که جانشین وهوبرز نامیده شده، باید مقدم بر وی بوده باشد. در سکه‌های اردشیر اول روی سکه حاکم هنوز با تیاری برآمده، یعنی همان «سرپوشی که از جنس نمد و از پیشانی بیرون زده»، البته با حفظ گردن و گونه‌ها نشان داده شده‌است که در عین حال، همه قسمت‌های این تیاری ظاهراً متشکل از یک قطعه است (نک به: سکه شماره ۴)؛ در حالی که تصویر اردشیر در پشت سکه، کاملاً مشابه سکه‌های سری دوم بغداد است و وی در برابر سازه‌ای که پیش‌تر بحث شد، نمایان است (ویسهوفر، ۱۳۸۸، ص. ۸۰)؛ تعدادی از سکه‌شناسان اعتقاد دارند که وهوبرز فرترکه‌ای بوده که بعد از اردشیر حکومت کرده‌است و این نتیجه‌گیری را بر این واقعیت استوار می‌دانند که وهوبرز از سکه‌های فرسوده اردشیر اول برای ضرب سکه‌های خود استفاده کرده‌است (Gholami, 2020, p. 138).



تصویر ۴. اردشیر اول از مجموعه سکه‌های موزه بانک سپه (عکاس ابوطالب مقسم)

آخرین فرترکه از شاهان محلی پارس، وادفرداد اول است که در پشت سکه‌های وی تغییراتی نسبت به پشت سایر سکه‌های فرترکه‌ها ایجاد شده‌است. در پشت سکه‌های وادفرداد، حاکم محلی در حالی مقابل نیایشگاه ایستاده که در پشت سر او نیز فرشته‌ای نمایان است و بر فراز نیایشگاه، تصویر بالداردی دیده می‌شود (نک به: تصویر شماره ۵). این نقش‌مایه که آن را فروهر و برخی از محققان تلفیقی نمادین از اهورامزدا، مهر و آناهیتا می‌دانند در زمان هخامنشیان نیز مورد احترام بوده و بر بالای مقابر شاهان هخامنشی نقش شده‌است (سرفراز و آورزمانی: ۱۳۸۷، ص. ۷۶؛ سلوود، ۱۳۸۹، ص. ۴۰۵)؛ این احتمال وجود دارد که فرترکه پارس در این برهه از زمان چنان نیرومند شده باشد که این انگاره ویژه شاهان هخامنشی را بر پشت سکه‌های خود حک کرده‌است و در واقع با این کار به نوعی نافرمانی خود از شاهان سلوکی را آشکارتر کرده‌است.



تصویر ۵. سکه وادفرداد اول شماره ۳-۱۷۰ مجموعه موزه ملک (عکاس ابوطالب مقسم)

تحقیقات هوور نیز ترتیب و توالی فرترکه‌های پارس را تغییر داده‌است؛ هوور نیز بر خلاف نظر رایج، معتقد است که بغداد نخستین شاه از فرترکه‌ها نبوده‌است. از سوی دیگر با ارتباط میان سرسکه‌های وهوبرز و اردشیر اول و مقایسه آن‌ها با هم نشان داد که این دو شاه، از شاهان پیایی هم بوده‌اند (Hoover, 2008, p. 213). هوور همچنین کشف کرد که چهار درهمی‌های وهوبرز بر پیش ضربی از شاه قبلی ضرب شده‌اند و اعتقاد دارد که وهوبرز نخستین شاه سلسله فرترکه‌ها پارس نبوده‌است (Sarkhosh Curtis, 2010, p. 387; Hoover, 2008, p. 213)؛ به نظر هوور حکومت فرترکه‌ها در برهه زمانی قبل از ۲۹۵ پ.م با حکومت اردشیر اول شروع می‌شود و وهوبرز نیز جانشین او بوده‌است. دو شاه آخر نیز وادفرداد اول و بغداد بوده‌اند (Hoover, 2008, p. 227).

۲-۳. سکه‌های گروه دوم از شاهان محلی پارس

گروه دوم از سکه‌های شاهان محلی پارس مربوط به دوره استقلال پارس است. یعنی شاهان محلی پارس در این دوره سر از فرمانبرداری سلوکی‌ها برداشته و تشکیل حکومتی مستقل دادند (سامی، ۱۳۵۴، ص. ۳). این گروه از شاهان که در قرن دوم قبل از میلاد حکومت می‌کردند در سکه‌های خود لقب ملکا (Malka) به معنی شاه را جایگزین عنوان فرترکه کرده‌اند (جوادی، ۱۳۸۰، ص. ۲۴۶). در این گروه از سکه‌ها کنگره بنای آتشگاه معمولاً پلکانی است و به جای ارائه مناسب بیرق یا درفش کاویانی در اینجا شاهد پرنده‌ای هستیم که روی یک مستطیل یا درفش بر پا ایستاده‌است (هیل، ۱۳۸۷، ص. ۵۱۲).

این گروه از سکه‌ها به لحاظ سبک و ساختمان کاملاً از سکه‌های پیشین جدا می‌شوند و دیگر از گودرفتگی و برآمدگی‌های قبلی خبری نیست؛ یعنی سکه‌های گروه دوم به شکل ستر و در هر دو سو هموار در می‌آیند (سلوود، ۱۳۸۹، ص. ۴۰۶). داریوش اول و وادفرداد دوم از جمله شاهان گروه دوم هستند که در این زمان سکه ضرب کرده‌اند (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۷، ص. ۷۶). در اینجا باید ذکر کرد که شباهت سبک هنری و تاریخی این گروه از سکه‌ها به سکه‌های اشکانی است؛ یعنی با روی کار آمدن اشکانیان ویژگی‌های هنری سکه‌های شاهان محلی پارس مانند سکه‌های اشکانی می‌شود و کم‌کم زبان این سکه‌ها دگرگون و از آرامی به فارسی میانه کهن تغییر می‌کند (جوادی، ۱۳۸۰، ص. ۲۴۵). در قدیمی‌ترین سکه‌های این گروه شاه محلی با پوشش

ساده‌تری نمایان است؛ او تاجی بدون پوشش گوش‌ها بر سر دارد و در رأس آن عقابی با بال‌های گشوده به چشم می‌خورد (هیل، ۱۳۸۷، ص. ۵۱۲)؛ البته در مواردی هم بر بالای تاج آنان هلال ماه که مظهر آناهیتاست، به چشم می‌خورد (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۷، ص. ۷۶). بر پشت سکه داریوش اول کتیبه «dryw MLKA» به معنی «داریوش شاه» یا واژه دیگری که هنوز خوانده نشده دیده می‌شود. انتخاب لقب پادشاهی «ملکا» ظاهراً مقارن با کاربرد نخستین لقب ΒΑΣΙΛΕΩΣ (bāsīleōs) بر سکه‌های مهرداد یکم اشکانی است و در اینجا نخستین مورد از تأثیر هنر سکه‌زنی پارسی بر سکه‌زنی پارس را می‌توان مسلم دانست (سلوود، ۱۳۸۹، ص. ۴۰۶). بر روی سکه داریوش اول نیمرخ شاه با کلاه‌ی مخصوص که از پشت سر به هم گره خورده، با نقش‌مایه هلال ماهی بر روی آن نمایان است (نک به تصویر شماره ۶)؛ شاه گوشواره‌ای دایره‌ای شکل به گوش دارد و ریش وی به صورت نقطه نقطه حک شده است. در پشت سکه تصویر آتشدان در وسط دیده می‌شود که از دو قسمت تشکیل شده، قسمت پایین مربوط بدنه آتشدان است که دارای نقوش هندسی احتمالاً مربع شکل است و قسمت بالای آتشدان که از دو قسمت کنگره‌ای شکل تشکیل شده محل برافروختن آتش است (کرماجانی، ۱۳۷۲، صص. ۸۷-۸۸).



تصویر ۶. داریوش اول سکه شماره ۴-۱۷۰ از مجموعه ملک (عکاس ابوطالب مقسم)

در سکه‌های وادفرداد دوم (تصویر شماره ۷) بر روی سکه نقش حاکم در هیئت چهره مردی جوان دیده می‌شود که باشلقی به طرز کاملاً نو پوشیده که به کلاه مقدونی‌ها (kausia) شباهت دارد، اما در پشت سر پهن است و عقابی در بالای آن دیده می‌شود. نقوش پشت سکه وی همانند نقوش سکه‌های وادفرداد یکم است؛ آتشدان‌های کنگره‌دار با نقش اهورامزدا در بالا، تصویر پادشاه در قسمت

چپ و پرچمی که مرغی بر آن نشسته در قسمت راست (سلوود، ۱۳۸۹، ص. ۴۰۶). در اینجا باید یادآور شد که آتشدان کنگره‌دار، سازه‌ای مشابه به سازه کعبه زرتشت دارد که نقش خاصی از آتشدان در بالای سازه به صورت انتزاعی دیده می‌شود، یعنی در واقع نقش فره در بالای سازه رویت می‌شود که به نوعی القا کننده آتش است (بویس و گررنر، ۱۳۷۵، صص. ۱۳۶-۱۳۷).



تصویر ۷- وادفرداد دوم سکه شماره ۱۴-۶۹ از موزه ملک (عکاس ابوطالب مقسم)

وادفرداد چهارم بر روی سکه‌هایش با سر برهنه نقش شده و این شیوه تأثیر گرفته از سکه‌های مهرداد اول اشکانی است و هلال ماه با ابهام و بی‌تناسبی بر بالای سر وی چسبانده شده‌است. در سکه‌های گروه دوم از شاهان محلی پارس این هلال ماه، از تاج داریوش یکم به عاریت گرفته شده و به نماد این پادشاهان تبدیل شده‌است (سلوود، ۱۳۸۹، صص. ۴۰۶-۴۰۷)؛ افزون بر این با آنکه آرایش چهره و جامه وادفرداد چهارم بر سکه‌ها با آرایش مهرداد اول اشکانی هماهنگ شده است، اما هنوز آتشدان پشت سکه‌ها دارای ویژگی هنری هخامنشی است و تلاش شده‌است تا دایره بالدار هخامنشی بر فراز آن نمایش داده شود. در روی سکه وادفرداد چهارم که شاه با چشمانی درشت و باز و بینی برجسته با ریش بلند نمایان است، آرایش سر و موی شاه مشابه تصویر مهرداد اول بر سکه‌های اشکانی است که موها تا ابتدای گوش‌ها را پوشانیده‌است (نک به: تصویر شماره ۸)؛ او دیهیم شاهی بر سر دارد و بر بالای سر نقش هلال ماه مشاهده می‌شود؛ همچنین چند ردیف گردنبند به گردن دارد. در پشت سکه وی حاکم در هیئت مرد مذهبی، لباس بلندی به تن دارد و دست یا دستان خود را به حالت نیایش بلند کرده‌است. تصویر نیم‌تنه بالدار بر فراز بنای آتشگاه بال‌ها را طوری افراشته که شکل آتش را به ذهن القا می‌کند (بویس و

گرنر، ۱۳۷۵، صص. ۱۳۶-۱۳۷). سازه منقوش بر پشت سکه، تصویری انتزاعی است.



تصویر ۸- وادفردادچهارم سکه شماره ۲۰-۱۷۰ موزه ملک (عکاس ابوطالب مقسم)

۳-۳. سکه‌های گروه سوم از شاهان محلی پارس

اطلاعات ما در مورد سکه‌های گروه سوم از شاهان محلی پارس بسیار اندک و محدود است. در واقع می‌توان گفت گروه سوم شاهان پارس ناشناخته مانده‌اند. گروه سوم از شاهان محلی پارس در قرن اول پیش از میلاد حکومت می‌کردند؛ زمان حکومت آنان مصادف با زمانی است که اشکانیان بر سر تا سر ایران استیلا یافته بودند و بنابراین حکام محلی پارس نیز تابع آنان بودند؛ نشانه این اطاعت در سکه‌های این شاهان محلی نمایان است؛ در این گروه از سکه‌ها ما شاهد چرخش نیم‌تنه حاکم محلی بر روی سکه‌ها هستیم؛ در واقع نقش نیم‌تنه فرمانروا بر روی این سکه‌ها، بر خلاف شاهان قبلی که به سمت راست می‌نگریستند، به سمت چپ چرخیده‌اند و این تغییر در واقع تقلیدی از سکه‌های شاهان اشکانی است که در روی آن‌ها نیم‌تنه چپ شاه اشکانی نقش شده است؛ همچنین شکل تاج، لباس و آرایش موی شاه محلی بسیار شبیه به همین عناصر در سکه‌های شاهان اشکانی است؛ در این گروه از سکه‌ها، شاه معمولاً تاج سه کنگره‌ای بر سر دارد و در پشت سکه نیز تغییراتی کلی ظاهر شده است؛ در پشت این سکه‌ها تصویر فرمانروا در حال نیایش و در حالی که برسمی در دست دارد، در برابر آتشدان نقش شده است؛ از جمله شاهانی که در این دوره سکه ضرب کرده‌اند داریوش دوم (نک به تصویر شماره ۹)، وهشیر (اوخا سرس) و ارد شیر دوم (نک به تصویر شماره ۱۰) را می‌توان نام برد (سرفراز و آورزمانی، ۱۳۸۷، صص. ۷۶-۷۷؛ سامی، ۱۳۸۹، صص. ۲۰۹-۲۱۰).

سیر تحول نقش مایه‌های سکه‌های شاهان محلی پارس ۴۷



تصویر ۹. سکه داریوش دوم شماره ۳۳۲۵ مجموعه تخت جمشید (عکاس آزاده حیدرپور)



تصویر ۱۰. سکه اردشیر دوم شماره ۳۳۵۲ مجموعه تخت جمشید (عکاس آزاده حیدرپور)

در تعدادی دیگر از این سکه‌ها نیز شاه را در حالتی مشاهده می‌کنیم که دست راست خود را دراز کرده و در مقابلش هلال ماه و ستاره‌ای نمایان است (کریستن سن، ۱۳۷۷، ص. ۹۶). در پشت برخی از این سکه‌ها هم نقش ولیعهد یا پدر شاه نقش شده است (نک به تصویر شماره ۱۳). صاحبان این سکه‌ها شاهانی بودند که قبل از ساسانیان حکمرانی کرده‌اند و زمان آنان به زمان اجداد اردشیر اول ساسانی می‌رسد. شاهانی که از این نوع سکه‌ها ضرب کرده‌اند پیروز، نموپت، نپات و... هستند (سامی، ۱۳۸۹، ص. ۲۱۰).



تصویر ۱۱. سکه نموت شماره اموالی ۳۳۳۰ مجموعه موزه تخت جمشید (عکاس آزاده حیدرپور)

در اینجا باید یادآوری کرد که بر پشت برخی از خرده دره‌می‌ها طرحی غیر عادی نقش شده که از آن به بازنمایی قراردادی دیهیم تعبیر شده‌است. این سکه‌ها دلیلی دیگر بر احترام به نماد پادشاهی در ایران است. از زمان سکه‌های نموت تا ارد شیر پنجم یا ارد شیر یکم ساسانی پیدا کردن شباهت‌هایی میان سکه‌های پارس و سکه‌های کشورهای دیگر که برخی چهارچوب‌های زمانی را میان آن‌ها می‌توان اثبات کرد، بسیار دشوار می‌شود. بنابراین، توالی پادشاهان را می‌توانیم تنها از بررسی‌های سبک‌شناختی و تا اندازه‌ای ذهنی استنتاج کرد، اما آوردن نسبت خویشاوندی در نقوش سکه‌ها نیز به شناسایی پادشاهان کمک می‌کند (سلوود، ۱۳۸۹، صص. ۴۰۷-۴۰۸).



تصویر ۱۲. سکه پاکر اول شماره اموال ۶-۱۷۲ موزه ملک (عکاس ابوطالب مقسم)

گروهی از سکه‌شناسان از جمله هرینک و اورلت سکه‌های پارس را به چهار گروه تقسیم می‌کنند. تقسیم‌بندی سکه‌های گروه اول و دوم را می‌پذیرند اما سکه‌های گروه سوم و چهارم را این چنین تعریف می‌کنند: گروه سوم نقش حاکم با نیم‌تنه‌ای که در روی سکه به سمت چپ نقش شده و در پشت سکه به صورت تمام قد و با برسمی در دست در کنار محراب آتش ایستاده‌است. صاحب این سکه‌ها داریوش دوم، اوخاسرس (وهشیر) و اردشیر دوم هستند. گروه چهارم با سر و صورتی به سمت چپ بر روی سکه و نشان‌ها و نمادهای متفاوت، در پشت سکه؛ گاه سر پادشاهی که به سمت چپ یا راست و یا از روبرو نشان داده شده‌است و یک شخصی در حالی که برسم در دست دارد در مقابل ماه و ستاره، یک تاج مشبک (استلیزه) و صحنه اعطاء نشان دیده می‌شود. این سکه‌ها منسوب به پاکر اول و دوم و نموپت، نیات، منوچهر اول، اردشیر سوم، منوچهر دوم، منوچهر سوم، اردشیر چهارم و اردشیر پنجم. آخرین سکه یعنی اردشیر پنجم (اولین پادشاه ساسانی) ادامه پیدا می‌کند (Haerinck & Overlaet, 2008, pp. 258-259).



تصویر ۱۳- سکه پاکر دوم شماره اموال ۹-۱۷۲ موزه ملک (ابوطالب مقسم)

۴. نتیجه‌گیری

شاهان محلی پارس خود را به شاهان هخامنشی منسوب می‌کردند و اغلب نقوش سکه‌های خود را از فرهنگ و نقوش هخامنشی اقتباس می‌کردند. همچنین به دلیل همزمانی حکومت شاهان محلی پارس با دو سلسله سلوکی و اشکانی، تأثیر هنر و باورهای دینی سلوکیان و اشکانیان را نیز

در هنر سکه‌زنی این شاهان می‌توانیم مشاهده کنیم؛ آنان با تأسی گرفتن از نقوش به‌کار رفته در بناها، گوردخمه‌ها و سایر آثار تاریخی هخامنشی، در واقع می‌خواستند فرهنگ و باورهای دینی هخامنشیان را حفظ و اشاعه دهند. در روی سکه‌های حاکمان گروه اول، حاکم محلی در حالی که نیم‌تاج ساتراپی‌های هخامنشی را بر سر دارد، سربند شاهان سلوکی را برای تزیین این نیم‌تاج به کار برده که این خود نشئت گرفته از هنر سکه‌زنی سلوکی است. در پشت تعدادی از سکه‌های بغداد، شاه به حالت نیم‌رخ چپ بر تخت نشسته و عصای شاهانه و یک گل لوتوس را در دست‌هایش گرفته است؛ بی‌شک این صحنه برگرفته از سنگ‌نگاره بر تخت نشستن داریوش در تخت‌جمشید است؛ همچنین کنگره‌های بنای آتشگاه در پشت سکه‌های گروه دوم تحول یافته و به گونه‌ای چشمگیر پلکانی شده که این ویژگی خود تأسی گرفته از بناهای کنگره‌دار تخت‌جمشید است و این نشان‌ها همگی تلاشی برای حفظ سنت‌های آبا و اجدادی است. همچنین در گروه سوم از سکه‌ها شکل تاج، لباس و آرایش موی حاکم محلی بسیار شبیه به همین عناصر در سکه‌های شاهان اشکانی است؛ در پشت سکه‌های گروه چهارم گاه تصویر پدر شاه صاحب سکه نمایان است؛ این گروه از سکه‌ها متعلق به اجداد شاهان ساسانی و از آن جمله اردشیر پنجم از شاهان محلی پارس (اردشیر اول ساسانی) است؛ بنابراین می‌توان ادعان داشت که شاهان محلی پارس که نقش میانجی را بین هخامنشیان و ساسانیان داشتند با صیانت از فرهنگ و باورهای هخامنشی این باورها را از طریق نقش‌مایه‌های موجود بر سکه‌های خود به ساسانیان انتقال دادند.

کتابنامه

- ادی، س.ک. (۱۳۸۱). *آیین شهریاری در شرق* (ترجمه فریدون بدره‌ای). علمی و فرهنگی.
 بویس، م، گرنر، ف. (۱۳۷۵). *تاریخ کیش زرتشت (پس از اسکندرگجسته)* (ترجمه همایون صنعتی‌زاده). ج ۳. توس.
 ثواقب، ج. (۱۳۸۵). *جغرافیای تاریخی پیشاپور و کازرون*. کازرونیه و بنیاد فارس‌شناس.
 جواد، غ. (۱۳۸۰). *مدیریت در ایران باستان*. وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 سامی، ع. (۱۳۵۴). *ویرانه‌های شهر باستانی استخر*. مجله هنر و مردم، ۱۸۵، ۲-۱۲.
 سامی، ع. (۱۳۸۹). *تمدن هخامنشی*. ج اول و دوم. سمت.
 سرفراز، ع. ا.، آورزمانی، ف. (۱۳۸۷). *سکه‌های ایران از آغاز تا دوره زندیه*. سمت.

سیر تحول نقش مایه‌های سکه‌های شاهان محلی پارس ۵۱

- سلوود، د. (۱۳۸۹). دولت‌های کوچک جنوب ایران. تاریخ ایران از سلوکیان تا فروپاشی دولت ساسانیان، ۳(۱)، (گردآورنده احسان یارشاطر). (ترجمه حسن انوشه). امیرکبیر. صص ۴۰۱-۴۴۶.
- شاپور شهبازی، ع. (۱۳۵۷). شرح مصور نقش رستم فارس. بنیاد تحقیقات هخامنشی.
- شاپور شهبازی، ع. (۱۳۷۸). وهوبرز: فرمانروایی ناشناخته از ایران باستان، مجله باستانشناسی و تاریخ، ۱۳(۲) و ۱۴(۱). ۹۱-۹۳.
- شارپ، ر. ن. (۱۳۸۴). فرمانهای شاهنشاهان هخامنشی. پازینه.
- کرمجانی، ش. (۱۳۷۲). نقش آتشدان در شناسایی مراسم تشریفات مذهبی دوران تاریخی ایران، پایان نامه کارشناسی ارشد باستان شناسی. استاد راهنما محمدحجیم صراف. دانشگاه تربیت مدرس.
- کریستن سن، آ. (۱۳۷۷). ایران در زمان ساسانیان (ترجمه رشید یاسمی). دیپای کتاب.
- ملکزاده بیانی، م. (۱۳۴۵). تحقیقات درباره سکه‌های دوره شاهی و شاهنشاهی اردشیر بابکان، مجله بررسی‌های تاریخی، ۴(۱)، ۵۵-۶۱.
- ویسپوهفر، ژ. (۱۳۸۸). تاریخ پارس / از اسکندر مقدونی تا مهرداد / اشکانی (ترجمه هوشنگ صادقی). فروزان روز.
- هیل، س. ج. ا. (۱۳۸۷). سکه‌زنی شاهنشاهی. (سیری در هنر ایران). ج ۱. (زیر نظر آرتورپوپ و فیلیس اکرمین) (ترجمه ناصر نوروززاده چگینی). علمی و فرهنگی. صص. ۵۰۵-۵۱۷.
- نولدکه، ت. (۱۳۵۸). تاریخ ایرانیان و عربها در زمان ساسانیان. (ترجمه عباس زیراب). انجمن آثار ملی.
- Alram, M. (1986). *Nomina Propria Iranica in Nummis, Iranisches Personennamenbuch IV*, Wien: OeAW.
- Avarzamani, F. (2013). Demystification of Religious Symbols featured in the Clothes of Sassanid Emperors, *Journal of Art and Civilization of the Orient*, 1(1). 33-42. [In Persian]
- Boyce, M. & Grenet, F. (1996). *History of Zoroastrianism (under Macedonian and Roman Rule)* (H. San'ati Zadeh Trans.), Vol III, Toos. [In Persian]
- Christensen, A. E. (1998). *L'Iran sous les Sassanides*. (R. Yasemi). Donyaye Ketab Publishing. [In Persian]
- De Morgan, J. (1923). *Manuel de Numismatique Orientale de L'Antiquite et du Moyen Age*, vol. 1, Paris.
- Eddy, S.K. (2002). The King is Dead: Oriental Religious Resistance to the Hellenism, (F. Badreie Trans.). Elmi va Farhangi. [In Persian]
- Gholami, K. (2020). A Revised Frataraka Chronology and Coinage, in M. Faghfoury(ed.), *Ancient Iranian Numismatics in Memory of David Sellwood*. Irvine pp.135-156.
- Haerlinck E. & Overlaet B., (2008). *Altar Shrines and Fire Altars Architectural Representations on Frataraka coinage*, *Iranica Antiqua* 43, pp. 207-233.
- Hill, G. F. (1922). *Catalogue of The Greek Coins of Arabia, Mesopotamia, and Persia*, London: Trustees of the British Museum.
- Hill, G.F. (2008). *The Coinage of the Ancient Persians. A survey of Persian Art from Prehistoric Times to the Presents*. ed. A.U.Pope. vol. I, (N. Norouzzadeh Chegini Trans.) Elmi va Farhangi. pp.505-517. [In Persian]

- Hoover, (2008). O. D. Hoover, "Appendix 5: Overstruck Seleucid Coins," in: A. Houghton, C. Lorber and O. Hoover (eds.), *Seleucid Coins. A Comprehensive Catalogue Part 2: Seleucus IV through Antiochus XIII*, 2vols., New York and Lancaster, PA. pp. 209-230.
- Javadi, Gh. (2001). Management in ancient Iran. Ministry of Culture and Islamic Guidance. [In Persian]
- Kermajani, Sh. (1993). Naghshe Ātashdān dar Shenāsāyee Marāsem-e Tashrifāt Mazhabi Dorān-e Tarikhi Irān. MA. Thesis, Tarbiat Modarres. [In Persian]
- Malekzadeh Bayani, M. Tahghighāt darbāreye Sekkehāye Doreye Shahi va Shahanshahi Ardeshir Bābakān, Majaleye Baresihāye Tārikhi, 1(4), 55-61. [In Persian]
- Müseler, W & Rezakhani, Kh. (2011). Persis, Numismatic Art of Persia, the Sunrise Collection, Bradley R. Nelson (ed.). Lancaster/London: Classical Numismatic Group, Inc. pp.272-290.
- Naster, P. (1986). Note d'Epigraphie monetaire de Preside: Fratakara, Frataraka ou Fratadara, in *iranica Antiqua*, Vol. VIII, pp 74-80.
- Rezakhani, Kh. (2010). The Unbekannter König III and the Coinage of Hellenistic and Arsacid Persis, *International Journal of Iranian Studies (NIB)* 15.
- Sami, A. (1975), Virānehāye Shar-e Bastāni-e Estakhr, Majaleye Honar va Mardom, 185, 2-12. [In Persian]
- Sami, A. (2010), Achaemenid Civilization, Volumes I & II. Samt. [In Persian]
- Sarfaraz, A.A., Avarzamani, F. (2008), Iranian Coins from the Early Beginning to Zand Dynasty. Samt. [In Persian]
- Sarkhosh Curtis, V. (2010). The Frataraka Coins of Persis: Bridging the Gap between Achaemenid and Sasanian Persia, *The World of Achaemenid Persia: History, Art and Society in Iran and the Ancient Near East* (Proceedings of a conference at the British Museum 29th September-1st October 2005, J. Curtis & St. J. Simpson (eds.), I. B. Tauris & Co Ltd. pp. 379- 396.
- Savagheb, J. (2006). Historical Geography of Bishpur and Kazerun. Kazerunieh and Bonyad-e- Farsshenas. [In Persian]
- Sellwood, D. (1983). Numismatics, Minor States in Southern Iran, *The Cambridge History of Iran*, Volume 3/1, Cambridge University Press.
- Shapour Shahbazi, A. (1978). Illustrated of Fars' Naghshe Rostam. Bonyad Tahghighat-e Hakhamaneshi. [In Persian]
- Shapour Shahbazi, A. (1999). Vahubarz Farmānravāye Nāshenākhte az Iran-e Bastan, majale-ye Bastānshenāsi va Tarikh 13(2)&14(1). 91-93. [In Persian]
- Sharp, R. N. (2005). Commands of Achaemenid Kings. Pazineh. [In Persian]
- Wiesehöfer, J. (1991). Prtrk, RBBYL DGN und MR zur Verwaltung sudagyptens in achaimenidischer Zeit, in *Achaemenid history VI*, eds. H. Sancisi-Weerdenburg & A. Kuhrt, Leiden, 1991, 305-309.

سیر تحول نقش مایه‌های سکه‌های شاهان محلی پارس ۵۳

- Wiesehöfer, J. (1994). Die 'dunklen Jahrhunderte' der Persis: Untersuchungen Zu
Geschichte und Kultur von Fārs in frühhellenistischer Zeit (330–140 v.Chr.).
Munich
- Wiesehöfer, J. (2009). Tarikhe Pārs(az Eskandar Maghduni ta Mehrdad Ashkani)
(H.Sadeghi Trans.) Foruzan Rouz. [In Persian]